

استفاده از مثلث بلاغت در سخنرانی‌های دبیر کل حزب الله، سید حسن نصرالله

حاتم‌الزین، دانشجوی دکتری ارتباطات و رسانه، دانشگاه کوینزلند مرکزی استرالیا، hatemelzein@yahoo.com.au

چکیده: این تحقیق اشاره‌ی دقیقی به مثلث بلاغت و دلالت آن در سخنرانی‌های دبیر کل حزب الله سید حسن نصرالله دارد. این مقاله مطابق تحلیل گفتمان انتقادی، ساختارهای خرد و کلان سخنرانی‌های نصرالله را روشن می‌سازد. این تحقیق تحلیل را از طریق تمرکز اجمالی بر زندگینامه‌ی نصرالله بافتارسازی نموده و قبل از اشاره به ساختار کلی سخنرانی‌ها، بافتارهای آنها را شناسایی و مثلث بلاغت- اتوس، لوگوس و پاتوس [شورمندی، مرجعیت مداری و خردمندی] -^۱ را در آنها کشف می‌کند. هم‌چنین به تفسیر معنای نشانه‌های مرتبط در این سخنرانی‌ها می‌پردازد، زیرا آنها با مثلث بلاغت مشارکت می‌نمایند و در نهایت موجب افزایش محبوبیت و اعتبار نصرالله می‌شوند. در این راستا، استنتاج مقاله این است که سه مؤلفه‌ی مثلث بلاغت در سخنرانی‌های نصرالله با یکدیگر مرتبط بوده، در جهت دستیابی به اهداف این رهبر و سازمانش عمل می‌نمایند.

واژگان کلیدی: حزب الله، شورمندی، مرجعیت مداری، خردمندی، سید حسن نصرالله.

مقدمه

سید حسن نصرالله سومین دبیر کل حزب الله و همچنین رهبر بازوی نظامی «مقاومت اسلامی» است. او این سمت را پس از ترور رهبر اسبق، سید عباس موسوی، توسط ارتش اسرائیل در فوریه ی ۱۹۹۲ بدست آورد (الاقا، ۲۰۰۶). نصرالله به عنوان سخنگوی رسمی سازمانش مطرح بوده و سخنرانی های او بخشی از گفتمان حزب الله و بازوی نظامی آنرا تشکیل می دهد (الزین، ۲۰۱۵).

در مورد سخنرانی های نصرالله تحقیقاتی انجام شده است (مانند بازی، ۲۰۰۹، لهلالی، ۲۰۱۲، مطر، ۲۰۱۰). اما این مطالعات بداهه گویی در اکثر سخنرانی های نصرالله و بلاغت آنها را در نظر نمی گیرند. اگرچه مطر (۲۰۱۰) تلاش کرده بلاغت نصرالله را در نمونه ای از سخنرانی های او مطالعه نماید، اما بر مثلث بلاغت شورمندی، مرجعیت مداری و خردمندی متمرکز نشده است. بنابراین، مسئله با کم بودن تحقیقات در زمینه ی مثلث بلاغت و نشانه های موجود در سخنرانی های او بازنمایی می شود. در این راستا، هدف این مقاله پر کردن شکاف موجود در این حوزه و پاسخ به این پرسش است: مثلث بلاغت در سخنرانی های نصرالله چیست و چه دلالتی دارند؟

این مقاله به این دلیل حائز اهمیت است که متمرکز بر کاریزمای نصرالله و توانایی اقناع کننده ی اوست، زیرا منعکس کننده ی قدرت گفتمان حزب الله در بافتار بسیج و جنگ روانی می باشد.

همان طور که در بخش بعد نشان داده خواهد شد این مقاله تحلیل گفتمان انتقادی را به کار می گیرد تا ساختارهای این سخنرانی ها و مثلث بلاغت آنها را شناسایی نماید. به همین دلیل رویکردهای نظری و روش شناسی مقاله تلفیقی است چرا که هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ روش شناسی از رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان استفاده می کند.

ملاحظات نظری: کاربرد تحلیل انتقادی گفتمان

مطالعه ی گفتمان مربوط به دوره ی معاصر نیست و به مطالعه ی ادبیات، زبان و سخنرانی های عمومی بیش از ۲۰۰۰ سال قبل مربوط می شود (ون دایک، ۱۹۸۵). بنابراین، اصطلاح گفتمان قدیمی است و به لحاظ تاریخی به عنوان هنر سخنوری به منظور اقناع در فن بلاغت طبقه بندی می شود (همان).

یک تفاوت در دلالت صریح گفتمان وجود دارد و آن اینکه آیا یک اسم عام است یا اسم شمارشی (الدیلی، ۲۰۱۰). به هر حال، این مقاله گفتمان رسانه ای تحلیل شده را به عنوان یک اسم عام در نظر می گیرد، زیرا مربوط به سخنرانی های سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله، در بافتار جنگ با اسرائیل می باشد. همان گونه که هال (۲۰۱۳) مطرح می کند، گفتمان با زبان و کاربرد آن در حوزه های خاص مرتبط است.

این مقاله نظر ون دایک را مورد توجه قرار می دهد (در فرکلاف، ۱۹۹۵ آمده) که دریافت تحلیل گفتمان با ساختارهای خرد و کلانش، یا به عبارت دیگر تحلیل ساختارهای طرح واره ای و موضوعی اش، در ارتباط است. «ساختارهای کلان متن همان سازماندهی کلی آن بر اساس موضوعات و سرفصل هاست. این یک سازمان سلسله مراتبی است، بدین معنا که ما می توانیم موضوع کلی متن را شناسایی کنیم» (فرکلاف،

۱۹۹۵، ص. ۲۹). اما ساختارهای خرد یک متن محتوای کلی آن است و تحلیل بر واحدها تمرکز دارد، نظیر ساختار نحوی، انتخاب‌های واژگانی، روابط معنایی و ترکیب‌های بلاغی آن (فرکلاف، ۱۹۹۵).

مباحث روش شناختی تحلیل گفتمان سید حسن نصرالله

در تحلیل ساختارهای کلان سخنرانی‌های نصرالله، این مقاله به بافتارها و ساختار کلی آن اشاره کرده و اطلاعات زمینه‌ای درباره‌ی نصرالله ارائه می‌نماید. این مقاله به‌منظور تحلیل ساختارهای خرد سخنرانی‌های نصرالله، از بلاغت برای آشکارسازی نحوه‌ی اقناع استفاده می‌کند. بلاغت به‌عنوان بخش اصلی سیاست‌گذاری توصیف می‌شود، چنانچه «اغلب با هنر اقناع پیوند دارد؛ و معنای بلاغت به ضرورت متقاعد کردن، اقناع و ارتباط مؤثر در مبحث شکل دهی و پیاده‌سازی خط مشی‌های عمومی اشاره دارد» (گتوایس، ۲۰۰۷، ص. ۲۴۰).

پژوهشگران در مطالعه‌ی بلاغت می‌توانند نگره‌های شورمندی، مرجعیت مداری و خردمندی را روشن کنند تا کارایی سخنرانی‌ها مشخص شود (دمردوگن، ۲۰۱۰). مرجعیت مداری به معنی قابلیت‌گوبنده در جهت اقناع است و معمولاً با کاریزما پیوند می‌یابد، شورمندی به معنای احساسات قرار گرفته در سخنرانی نسبت به مخاطب و خردمندی به معنای بکارگیری استدلال‌ها در سخنرانی به وسیله‌ی گوبنده است (دمیردوگن، ۲۰۱۲، گتوایس، ۲۰۰۷).

فن بلاغت یک رویکرد قدیمی است و ارسطو اساس آن را پایه‌گذاری کرد (همان). اگرچه مطالعات معاصر درباره‌ی سخنرانی‌های نظریه‌پردازی شده به وسیله‌ی پژوهشگرانی نظیر آستین، سرل و ون‌دایک جهت طبقه‌بندی انجام شده - با عنوان نشان هنر اقناع - سخنرانی به صورت «عبارت پردازانه، مضمون در گفتار، از طریق گفتار، مدعیات، دستورات، حکم‌ها، بیانات و اظهارات» به کنش می‌پردازد (سیمون، ۲۰۱۵، ص. ۱۱)، فن بلاغت قدیمی هنوز رویکردی معتبر است که می‌تواند در مطالعات مدرن درباره‌ی گفتمان به-کار رود تا کاریزمای سخنور، استدلال و شورمندی او را نمایان سازد (دمیردوگن ۲۰۱۰؛ گتوایس ۲۰۰۷).

نمونه‌های انتخاب شده برای این مقاله سه سخنرانی دارای بافتار مشابه است که به وسیله‌ی سید حسن نصرالله در سپتامبر ۲۰۰۶، فوریه ۲۰۰۸ و فوریه ۲۰۱۰ ایراد شده است. این سخنرانی‌های بایگانی شده از وبسایت رسمی «مقاومت اسلامی»ⁱⁱ گردآوری شده و این مقاله تا حدودی ترجمه‌ی انگلیسی سخنرانی‌ها در صفحات انگلیسی وبسایت «مقاومت اسلامی» را که اخبار العهد نامیده می‌شود، در نظر داشته است. اگرچه تحلیل این سخنرانی‌ها با اتکاء به متن انجام می‌شود، به منظور این‌که دلالت صریح سخنرانی‌ها تفسیر شود، در این تحلیل به تصاویر و حرکات نصرالله حین ایراد سخنرانی نیز توجه می‌کنیم.

سید حسن نصرالله کیست؟

هدف این بخش این است که از طریق فراهم نمودن زندگینامه‌ی کوتاهی درباره‌ی این رهبر به منظور بافتارسازی تحلیل، بطور اجمالی نشان دهیم سید حسن نصرالله کیست (با نقل کردن حرف به حرف از نصرالله).

نصرالله در کرنیتینا واقع در ناحیه ی شرقی بیروت در سال ۱۹۶۰ از پدری متولد شد که از روستایی در جنوب لبنان به نام البازوریه برای کار و پروراندن نه (۹) کودکش به پایتخت مهاجرت نموده بود (الرز، ۲۰۰۰). اما وقوع جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ نصرالله و خانواده اش را مجبور کرد به روستا بازگردند (تیل، ۲۰۱۰). در آن سال، نصرالله به جنبش امل پیوست و آنرا رهبری نمود، پس از یک سال برای تحصیل فقه اسلامی و روحانی شدن به عراق رفت (همان). وی به محض ورود به عراق، با سید عباس موسوی ملاقات نمود که استاد، راهنما و مرشد او شد (الرز، ۲۰۰۰). پس از چندین سال، و در نتیجه ی بیداد حزب بعث علیه روحانیون لبنان در عراق، نصرالله همانند بسیاری از همکاران و اساتیدش به لبنان گریخت تا مرحله ی جدیدی از زندگی اش را آغاز نماید (تیل، ۲۰۱۰). نصرالله بدنبال ورودش به لبنان، مطالعات مذهبی خود را از سر گرفت، زیرا استاد او یک حوزه (یک مدرسه یا دانشگاه اسلامی برای تدریس شریعت) را در بعلبک تأسیس نمود (الرز، ۲۰۰۰). پس از تهاجم اسرائیل به بیروت در سال ۱۹۸۲، نصرالله با تعدادی از همراهانش از جنبش امل خارج شد. در نتیجه، این گروه بنیان حزب الله را تشکیل داد. در اواسط دهه ی ۱۹۸۰، نصرالله بعلبک را به قصد بیروت ترک گفت و یکی از چهره های کلیدی حزب الله گشت (الرز، ۲۰۰۰). وی در سال ۱۹۸۹، به منظور ادامه ی تحصیلات مذهبی اش به شهر مقدس قم در ایران سفر نمود (تیل، ۲۰۱۰). اما او پس از یک سال برای رهبری حزب الله به لبنان بازگشت و دوباره سمت خود در حزب الله را بدست آورد و بعدها دبیر کل آن شد (همان).

نصرالله چگونه به یک سخنران عمومی تبدیل شد؟

نصرالله به‌عنوان بخشی از موقعیتش در حزب، به مناسبت‌های مختلف سخنرانی‌هایی ایراد کرد. بنابراین، او به یک رهبر کاریزماتیک مبدل شد و سخنان او توجه مخاطبان به ویژه پیروان و حامیان حزب الله را جلب کرد (تیل ۲۰۱۰). اما این پرسش باقی می‌ماند: نصرالله در کجا و چگونه سخنرانی عمومی را تحصیل کرد؟

سید عباس موسوی در تدریس به دانشجویانش مانند نصرالله به آنها آموخت که چگونه در آینده یک سخنران عمومی باشند، و در نتیجه هر یک از دانشجویان به صورت دوره‌ای ملزم بودند سخنرانی کوتاه یا خطابه ای را آماده کنند و در مقابل اساتید و همکارانشان ارائه دهند و از آنها خواسته می‌شد درباره‌ی زبان و محتوای گفتمان‌ش تفسیر و بحث کنند (خاتون، ۲۰۰۲). این تجربه می‌تواند به‌عنوان مبنای اساسی چگونگی ایراد یک سخنرانی به وسیله ی نصرالله در نظر گرفته شود.

نصرالله سخنرانی هایش را با اصطلاحات مذهبی فرهنگ و میراث شیعه غنی می نماید (کوری و دیانا، ۲۰۰۹). نصرالله به عنوان رهبر «مقاومت اسلامی» اخبار برخی از فعالیت های این بازوی نظامی را مشخص می کند. نصرالله در مصاحبه ای با روزنامه ی لبنانی الاخبار مطرح کرد که او درباره ی محتوای حساس نظامی سخنرانی های خود با رفقای جهادی اش مباحثه می کند و محتوای سیاسی آنها را با مجلس شورا مورد مباحثه قرار می دهد (الامین و همکاران، ۲۰۱۴). از آنجا که پروپاگاندا در جنگ علیه اسرائیل نقش مهمی دارد، حزب الله «نهادهای رسانه‌ای خود را تحت فرمان مستقیم نصرالله و دستیاری رهبر شورای سیاسی و رهبر شورای اجرایی قرار داد» (الاقا، ۲۰۰۶، ص. ۵۲).

پس از فراهم آوردن پیش زمینه‌ی تاریخی، مانند مکانی که نصرالله ایراد سخنرانی را تحصیل کرد و اینکه چگونه سخنرانی‌ها و نقش رسانه‌ای خود را ارائه می‌کند، هدف بخش بعد این است که بافتارهای سخنرانی‌های نصرالله را قبل از تعمق جهت تحلیل نشان دهد.

بافتارهای سخنرانی‌های نصرالله

مطابق وب سایت «مقاومت اسلامی» نصرالله سخنرانی‌هایش را در چندین مناسبت ایراد می‌کند و به وسیله‌ی مجاری رسانه‌ای مورد مصاحبه قرار گرفته است. در طبقه‌بندی سخنرانی‌های نصرالله، مجید (۲۰۰۷) ده دسته را شناسایی می‌کند: سخنرانی‌های کنفرانس‌ها، سخنرانی‌های مربوط به نهضت فلسطین، سخنرانی در روزهای پیروزی «مقاومت اسلامی»، سخنرانی‌های ایام گرامی داشت شهدا و مجروحان «مقاومت اسلامی»، سخنرانی‌هایی طی مراسم اسلامی، سخنرانی‌هایی در موارد سازمان‌دهی شده‌ی غیر نظامی، سخنرانی‌هایی طی مراسم خصوصی، سخنرانی‌های ایام عاشورا، سخنرانی طی جنگ جولای در ۲۰۰۶، و مصاحبه‌هایی با تلویزیون و روزنامه‌ها.

طبقه‌بندی مجید در درجه‌ی اول مبتنی بر زمان سخنرانی هاست. اما مقاله‌ی حاضر به سخنرانی‌های نصرالله در ارتباط با «مقاومت اسلامی» می‌پردازد. بنابراین، تمرکز ما به آن دسته از سخنرانی‌های نصرالله معطوف می‌شود که به جای سایر بافتارها دارای بافتار مقاومتی هستند، زیرا محتوای سخنرانی‌ها تحت تأثیر ماهیت موقعیت‌ها قرار دارد.

در طبقه‌بندی مجدد سخنرانی‌های نصرالله، همبستگی بین بافتار و محتوای سخنرانی‌های مقاومتی به شرح زیر شناسایی می‌شود:

- در مراسم مذهبی، طی عاشورا- گرامی داشت کشته شدن امام حسین (ع) نوه ی حضرت محمد (ص)- و ماه مقدس اسلامی رمضان، سخنرانی‌های نصرالله محتوای مذهبی، سیاسی و مقاومتی دارند.
 - در مراسمی که در روزهای مهم برای «مقاومت اسلامی» برپا می‌شوند، مانند گرامی داشت «شهدا» در فوریه، روز مقاومت و آزادی در ماه می و «روز پیروزی» در اگوست، محتوای سخنرانی‌های نصرالله در چنین روزهایی در درجه ی اول درباره ی مقاومت است.
 - در مراسم مربوط به روز قدس در آخرین جمعه ی ماه رمضان، که به وسیله ی امام خمینی (ره) اعلام شد، سخنرانی‌های نصرالله در درجه ی اول حول محور مقاومت می‌چرخند.
 - در مراسم گرامی داشت دانشمندان اسلامی، سخنرانی‌های نصرالله در درجه ی اول دارای محتوای مذهبی و سیاسی اند.
 - در مواقع اضطراری مانند جنگ جولای ۲۰۰۶، آزادسازی زندانیان لبنانی از زندان‌های اسرائیل، ترور فرمانده ی «مقاومت اسلامی» در سال ۲۰۰۸، سخنرانی‌های نصرالله در درجه ی اول از محتوای مقاومتی برخوردارند.
- به‌طور قابل توجهی، نمونه‌های انتخابی سخنرانی‌های نصرالله برای تحلیل در این مقاله در درجه ی اول محتوای مقاومتی دارند.

ساختار کلی سخنرانی‌های نصرالله

قبل از اینکه محتوا را تحلیل نمائیم، با تمرکز بر روی ساختار کلی سخنرانی‌های نصرالله، نگاهی اجمالی به تنظیم ایده‌ها فراهم آورده ایم. در نتیجه‌ی استفاده از شیوه‌ی ویدئو کنفرانس پس از جنگ جولای میلادی ۲۰۰۶، معمولاً نصرالله در جلوی پس زمینه‌ای که بینندگان را از موقعیت سخنرانی‌هایش آگاه می‌سازد، ظاهر می‌شود.

در هر سخنرانی، نصرالله با ستایش خدا و خواستن از او که بر پیامبرانش بطور اعم و حضرت محمد (ص)- بطور اخص، و آل محمد (ص) و یاران برگزیده‌اش درود فرستد، سخن را آغاز می‌کند. بدنبال این مقدمه، نصرالله قبل از اینکه رئوس مطالب سخنرانی‌اش را بیان کند، به مخاطبانش خوشامد می‌گوید و بر آنها درود می‌فرستد.

بر اساس رئوس مطالب که روی یک یا چند برگه نوشته شده است، نصرالله بترتیب نکات سخنرانی‌اش را ارائه می‌کند. او استدلال‌هایی را بیان کرده و برای محفوظ نگاه داشتن آنها از تحریف، شواهدی را ارائه می‌نماید. نصرالله در پایان سخنرانی مجدداً از مخاطبان تشکر نموده و بر آنها درود می‌فرستد.

مثلث بلاغت در سخنرانی‌های تحلیل شده‌ی نصرالله

نصرالله معمولاً سخنرانی‌هایش را به صورت فی‌البداهه و بدون روخوانی از کاغذ یا صفحه و یا استفاده از هر گونه ابزار شنیداری ارائه می‌نماید. نصرالله بر خلاف اکثر سخنرانی‌هایش، طی مراسم خاکسپاری فرمانده «مقاومت اسلامی»، عماد مغنیه، از روی کاغذ سخنرانی نمود. به نظر می‌رسد که حساسیت مورد، هنگامی که لبنانیان و جهان خواهان آگاهی دقیق از فعالیت‌های سازمان او پس از ترور مغنیه بودند، نصرالله را مجبور می‌کرد که واژگان خود را با احتیاط برگزیند. بنابراین، سخنرانی نصرالله در این موقعیت کوتاه‌تر از سایر موارد بود، چنانچه نشان داده خواهد شد.

ویژگی بداهه‌گویی در ایراد سخنرانی‌ها نیازمند تفسیر آنها از زوایای مختلف است، بدین منظور که نشان دهیم چگونه نصرالله از سخنرانی‌هایش برای دستیابی به دستور کار «مقاومت اسلامی» استفاده می‌کند، یا به عبارت دیگر، چگونه او از سخنرانی‌هایش در جهت سیاست‌گذاری استفاده می‌نماید. بنابراین، در این مقاله یک رویکرد بلاغی را به کار می‌گیریم تا مفاهیم شورمندی، مرجعیت‌مداری و خردمندی را در سه سخنرانی منتخب برای تحلیل کشف نمائیم. اما این امر بسیار اساسی است که در ابتدا توصیفی کوتاه درباره‌ی موضوع هر سخنرانی ارائه شود.

اولین سخنرانی «سخنرانی پیروزی الهی» نام دارد که پس از پایان جنگ جولای در سال ۲۰۰۶ میلادی ایراد شد. نصرالله در ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۶ توده‌های مردم را مورد خطاب قرار داد تا پیروزی «مقاومت اسلامی» در جنگ و تلاش مداومش برای افزایش تعداد موشک‌ها را تصدیق نماید. طول مدت این سخنرانی ۷۵ دقیقه است.

سخنرانی دوم در ۱۴ فوریه‌ی ۲۰۰۸ و طی مراسم خاکسپاری فرمانده «مقاومت اسلامی»، عماد مغنیه که در پایتخت سوریه، دمشق ترور شد، ایراد گردید. مدت زمان این سخنرانی ۳۰ دقیقه است.

سخنرانی سوم در ۱۶ فوریه ی ۲۰۱۰ و طی مراسم گرامی‌داشت یک هفته‌ای مقاومت اسلامی و «شهدای» آن ایراد شد. این سخنرانی به منظور تأکید بر اهمیت مقاومت در حفظ لبنان از حملات اسرائیل طراحی شد. مدت زمان این سخنرانی ۷۰ دقیقه است.

شورمندی

همان طور که قبلاً نشان داده شد، نصرالله به مطالعه و تمرین نحوه‌ی ایراد سخنرانی پرداخت. او از زمان رهبری حزب الله به طور دوره‌ای عموم مردم را مورد خطاب قرار داده است. بنابراین، نصرالله از طریق ایراد مکرر سخنرانی‌ها موفق شده به یک چهره‌ی مردمی در لبنان و جهان عرب مبدل شود، به طوری که توده‌های مردم منتظر شنیدن سخنان او هستند (حرب، ۲۰۱۱).

ویژگی‌های شخصیتی نصرالله از جمله قدرت او در اقناع کردن با شورمندی وی همراه می‌شود. نصرالله در ایراد سخنرانی‌ها، در کسوت لباس روحانی، عمامه و عبا، و با محاسنی پیراسته ظاهر می‌شود. نصرالله علاوه بر این ظاهر فیزیکی، هنگام تهدید اسرائیل تن صدایش را بالا می‌برد و اشتیاق توده‌ها را بر می‌انگیزد. برای مثال، وقتی نصرالله در سخنرانی تحلیل شده ی اول بیان کرد، «امروز [...] مقاومت بیش از بیست هزار موشک دارد»، توده‌ها با هلهله واکنش نشان دادند و پاسخ دادند که در خدمت او هستند. هنگامی که نصرالله در سخنرانی سومش اسرائیل را تهدید کرد: «اگر شما ساختمانی را در دهیبه (بخش جنوبی بیروت) بمباران کنید، ما ساختمان‌های تل آویو را بمباران خواهیم کرد»، مخاطبان به سبک مشابهی واکنش نشان دادند.

واکنش مخاطبان طی سخنرانی‌ها با شورمندی نصرالله همراه می‌شود، همان گونه که گتوایس (۲۰۰۷) استدلال می‌کند شورمندی در نهایت مبتنی بر دریافت مخاطبان است (ص. ۲۴۲). از این رو شورمندی نصرالله نسبت به مخاطبانش - پیروان و حامیان - آنها را به گیرندگان آسیب‌پذیری مبدل می‌کند که به هر کلمه‌ی رهبرشان ایمان دارند، کسی که «سبک دوستانه و محاوره‌ای خطابه‌های خود را به آنها ارائه می‌کند، به طوری که علاوه بر صداقتش ویژگی‌های شخصی وی نیز دال بر «سازمانی» بودن رهبری است که ریشه در فرهنگ روزمره‌ی لبنان دارد» (مطر، ۲۰۱۵، ص. ۴۳۹). بنابراین، نصرالله که در مجموع یک رهبر مذهبی، سیاسی و نظامی است، به یک نماد رهبری، یا به عبارت دیگر به یک رهبر نمادین تبدیل شده است (حرب، ۲۰۱۱).

مرجعیت مداری

نصرالله از سخنرانی‌هایش برای مشارکت در مباحثات استفاده می‌نماید و شواهدی را برای تصدیق استدلال‌هایش فراهم می‌کند. نصرالله در اولین سخنرانی‌اش، برخی استدلال‌های مربوط به جنگ جولای را قیاس منطقی می‌کند. اولین استدلال مبتنی بر این است که چگونه چند هزار جنگجوی «مقاومت اسلامی» در جنگ جولای ارتش اسرائیل را شکست دادند؛ و نتیجه این شد که با حمایت و یاری خداوند پیروزی رخ داد. برای تحقیق فرض او که «مقاومت اسلامی» در طی جنگ حمایت و کمک الهی را دریافت نموده تا به یک پیروزی معجزه‌آسا دست یابد، نصرالله تعدادی شواهد نظیر برتری ارتش اسرائیل را ارائه کرد: «جنگجویان «مقاومت اسلامی» با چهل هزار افسر و سرباز، چهار تیپ از نیروهای زنده ی اسرائیلی، سه

جوخه از ارتش ذخیره [اسرائیل] و [...] قوی ترین تانک های جهان و قدرتمندترین ارتش در منطقه مواجه شدند...»

اگرچه نصرالله پیروزی در جنگ جولای را به خداوند نسبت داد، اصرار داشت که «مقاومت اسلامی» تجربه و دانش را در جنگ هایش بخوبی مد نظر قرار می دهد. او اظهار داشت: «[مقاومت اسلامی] مبتنی بر تفکر، برنامه ریزی، سازماندهی، آموزش و تسلیحات است، و همچنین گفت: ما با دلایل ریشه‌ای سر و کار داریم. ما یک جنبش مقاومت تصادفی یا فریبکار نیستیم. ما مقاومتی هستیم که دیندار، خداباور و احساساتی است و می داند که مقاومت به دانش، خرد، برنامه ریزی، آموزش و تجهیزات نیز نیاز دارد.»

استدلال دوم این بود که جنگ جولای ۲۰۰۶ به وسیله ی ایالات متحده ی آمریکا تصمیم گیری شد تا حزب الله را شکست دهد، اما در پی شکست ارتش اسرائیل به پایان رسید. نصرالله برای اینکه فرضیه اش را اعتبار بخشد، شواهدی را از اقدامات حکومت آمریکا طی آن جنگ ارائه نمود.

نصرالله در سومین استدلالش، مقاومت و وقار را با یکدیگر ادغام کرد و رهبران دول عرب را مورد خطاب قرار داد که از سال ۲۰۰۲ اقدام به صلح با اسرائیل را آغاز نمودند اما به موفقیت دست نیافتند، زیرا نمی خواستند جنگی علیه اسرائیل بر پا کنند. نصرالله برای تحقیق فرضیه‌اش، پرسشهایی مطرح کرد و شواهدی از شکست دول عرب در مقابل اسرائیل ارائه نمود.

چهارمین استدلالی که به وسیله‌ی نصرالله فرض شد، حول این محور می چرخد که «مقاومت اسلامی» تصویر ارتش شکست ناپذیر اسرائیل را خراب کرد. برای تأیید این فرضیه، نصرالله شواهدی ارائه نمود.

استدلال پنجم این است که «مقاومت اسلامی» قوی تر از مقاومت روز اول تأسیس در ۱۲ جولای ۲۰۰۶ است. اما این استدلال در پی فراخواندن نصرالله برای ایجاد یک دولت قوی و بی طرف در لبنان مطرح شد تا از کشور دفاع کند و در نهایت تجهیز «مقاومت اسلامی» به نتیجه برسد. نصرالله برای تصدیق فرضیه اش درباره‌ی قدرت این بازوی نظامی، شواهد زیر را ارائه کرد که: «مقاومت اسلامی» دارای بیش از بیست هزار موشک است. تنها طی چند روز پس از خرابی های جنگ، مقاومت به طور کامل ظرفیت‌های نظامی، سازمانی و تسلیحاتی اش را بازیافت.»

در سخنرانی دوم، نصرالله فرماندهی «مقاومت اسلامی» عماد مغنیه را که در دمشق ترور شده بود گرامی داشت. نصرالله در سخنرانی اش طی مراسم خاکسپاری این فرمانده، ارتش اسرائیل را متهم به ترور مغنیه در خارج از میدان جنگ کرد و آنرا تهدید نمود. در ضمن او استدلال‌هایی مربوط به عواقب این ترور ارائه کرد.

نصرالله در اولین استدلالش بر این مطلب پافشاری کرد که ترور مغنیه هرگز «مقاومت اسلامی» را متلاشی نخواهد کرد. نصرالله برای تأیید این فرض، شواهدی را درباره‌ی عقب نشینی‌های ارتش اسرائیل پس از ترور شیخ راغب حرب و سید عباس موسوی ارائه کرد.

نصرالله در راستای این استدلال یک فرضیه را بدیهی شمرد که اسرائیل محکوم به سقوط است و پس از ترور عماد مغنیه از هستی ساقط خواهد شد. برای تصدیق این امر، نصرالله شواهدی ارائه کرد، از جمله مثال های مربوط به جنگ جولای و عواقب آن برای اسرائیل.

نصرالله در همان بافتار مطرح کرد که عماد مغنیه مأموریت خود برای هر گونه جنگ آتی را به پایان رسانده و همراهانش مأموریت او را ادامه خواهند داد. برای تأیید این فرضیه، نصرالله شواهدی ارائه و اسرائیل را تهدید کرد که «در همه ی جنگ های آتی تنها یک عماد مغنیه در کمین شما نیست [...] مغنیه برای شما ده ها هزار جنگجوی آموزش دیده و شایسته بر جای گذاشته است.»

نصرالله در سخنرانی سومش به گرامی داشت شهدای یکسال اخیر «مقاومت اسلامی» به طور اعم و رهبران شهید بطور اخص پرداخت. او در سخنرانی‌اش فرصت را غنیمت شمرد تا در مورد «مقاومت اسلامی» سخن به میان آورد، دستاوردهایش و حق او برای دفاع از لبنان را ذکر نمود. در نتیجه نصرالله چندین استدلال مربوط به «مقاومت اسلامی» ارائه کرد.

اولین فرضیه حول این استدلال می گردد که سه «رهبر شهید» «مقاومت اسلامی» شیخ راغب حرب، سید عباس موسوی و عماد مغنیه از کودکی از ماهیت نزاع علیه اسرائیل آگاه بودند و بنابر این امر، مسئولیتهایی را در مقاومت بدوش گرفته بودند تا وقتی که ترور شدند. برای روشن ساختن این ایده، نصرالله شواهدی را درباره ی سن و پیشینه‌ی این رهبران ارائه کرد.

نصرالله در سخنرانی دوم پرسش‌هایی را مطرح کرد که آیا قول‌های واشنگتن یا جامعه‌ی بین الملل، لبنان را در مقابل اسرائیل محافظت می‌کند؟ نصرالله برای بی اعتبار کردن این قول‌ها و تردیدها، شواهدی از سکوت آمریکا در برابر احداث مسکن‌های اسرائیلی در قلمروهای اشغالی فلسطین ارائه کرد.

در همین راستا نصرالله این پرسش را مطرح کرد که آیا بی طرفی در مقابل لبنان به منظور باز پس گیری قلمروهای تسخیر شده اش شایسته است؟ پس آمریکا اسرائیل را قانع کند تا آوارگان فلسطینی را از لبنان باز گرداند. برای اثبات اینکه این نظریه اشتباه است، نصرالله اظهارات وزیر خارجه‌ی اسرائیل را نقل کرد که از متوقف کردن احداث ساختمان های مسکونی امتناع ورزید و اظهارات جانشین او که بازگردانی آوارگان فلسطینی به وطن خود را یک «خط قرمز» نامیده بود. بر مبنای این پرسشها و پاسخ ها، نصرالله به این نتیجه رسید که لبنان به اندازه ی کافی قدرت دارد که برخی لبنانی ها را مورد خطاب قرار دهد که: اسرائیل نیاز به هیچ بهانه‌ای برای تجاوز به یک کشور ندارد. برای تصدیق این فرضیه، نصرالله رویدادهای تاریخی ارائه داد تا برخی از اهالی لبنان را از اینکه اسرائیل در حال آماده کردن بهانه‌ای برای حمله به لبنان است، آگاه نماید.

نصرالله در راستای فرضیه‌ی قبلی‌اش فرضیه‌ی دیگری را نتیجه گرفت که اسرائیل ترسیده است و تهدیدش برای لبنان بخشی از یک جنگ روانی است و می خواهد «مقاومت اسلامی» را از قوی تر شدن باز دارد. برای روشن ساختن این فرضیه، نصرالله شواهدی را قبل از مواجهه شدن با تهدیدات اسرائیل با تهدیدات متقابل ارائه نمود.

در مشاهده‌ی زوایای مرجعیت مداری در این سه سخنرانی، می‌توان نتیجه گرفت که نصرالله قابلیت تغییر جهت دادن شواهد به سمت یک فرضیه به منظور اعتبار دادن به آن با شواهد دیگر را داراست. در نتیجه‌ی این فرایند، سخنرانی‌های نصرالله ممکن است زنجیره ای از فرضیات را شامل شود، بدین صورت که یک فرضیه از دیگری منتج شده باشد. این ویژگی‌ها نه تنها یک اقتباس منطقی در سخنرانی‌های نصرالله را ثابت می‌کنند، بلکه موجب افزایش شورمندی وی و مبدل شدن او به یک رهبر کارزماتیک می‌شود.

همه‌ی این سه سخنرانی حول ایده‌ی جاودانه ساختن دستاوردهای «مقاومت اسلامی» و «شهادت‌ش» می‌چرخد. اگرچه استدلال‌هایی درباره‌ی نقش آمریکا در نبردها وجود دارد، تمرکز اصلی بر استدلال‌هایی است که مربوط به نبرد بین «مقاومت اسلامی» و اسرائیل می‌باشد. به‌طور خلاصه، ایده‌های مشترک استخراجی از استدلال‌ها در سه سخنرانی تحلیل شده به‌شرح زیر است:

- جاودانه ساختن دستاوردهای «مقاومت اسلامی» در میدان‌های جنگ و توصیف جنگجویان آن به عنوان قهرمانان؛
- تهدید اسرائیل و در نظر گرفتن «مقاومت اسلامی» در خط مقدم دفاع لبنان در مقابل تجاوزهای اسرائیل؛
- محافظت از زرادخانه‌ی نظامی «مقاومت اسلامی»؛
- آگاه‌سازی لبنان و جهان عرب از نیت اسرائیل؛
- فراخواندن دنیای عرب برای در نظر داشتن مفهوم قدرت در مواجهه با اسرائیل و تجهیز جنبش‌های مقاومت فلسطین؛
- متهم کردن ایالات متحده‌ی آمریکا برای کمک به اسرائیل در حمله به لبنان.

خردمندی

نصرت‌الله توده‌ها، پیروان و حامیان را که در «مقاومت اسلامی» همراه او هستند، مورد خطاب قرار می‌دهد. هدف او درگیر کردن آنها در اخبار به روز «مقاومت اسلامی» و به اشتراک‌گذاری احساس شادی و غم است.

در هر سخنرانی، همان‌طور که در سخنرانی‌های تحلیل شده نشان داده خواهد شد، نصرت‌الله از واژگان مشابهی برای مورد خطاب قرار دادن مخاطبان و نقل اظهارات مذهبی استفاده می‌نماید که ارزش‌های مشترک با مخاطبان را انعکاس می‌دهند. او توده‌ها را تکریم نموده و آنها را «خواهران و برادران عزیز» خطاب می‌کند. اولین سخنرانی تحلیل شده به شکل قابل توجهی، عالی و همراه با احساسات است، زیرا اولین سخنرانی عمومی نصرت‌الله حدود یک ماه پس از پایان جنگ جولای می‌باشد. نصرت‌الله به توده‌ها می‌گوید که برخلاف تهدیدهای اسرائیل علیه او، از مورد خطاب قرار دادن آنها از طریق روش ویدئو کنفرانس اجتناب می‌ورزد. او پیروزی را به توده‌ها نسبت می‌دهد و آنها را به عنوان حافظان «مقاومت اسلامی» در نظر می‌گیرد، برای نمونه با گفتن «آنچه که بعد از فضیلت خداوند متعال و بزرگ موجب توقف جنگ شد، پسران شمایند، این جنگجویان.»

چنین کاربردی از اصطلاحات خویشاوندی مانند «برادران»، «خواهران»، «پسران» و «دختران» در سخنرانی‌ها نقش عربی به عنوان زبان مادری را برجسته می‌کند که این‌ها بیان اصطلاح دم‌دستی، به‌صورتی که در زبان‌شناسی مدرن می‌یابیم، نیستند، بلکه از گوشت و خون زنده و استعاری هستند. این مفهوم سازی یک رشته‌ی اخلاقی عمیق در فرهنگ‌های عربی و اسلامی را به ذهن متبادر می‌سازد، به‌خاطر موقعیت مادری (و پدری) در این فرهنگ‌ها» (سلیمان ۲۰۱۳، ص ۱۱۸).

در همان سخنرانی تحلیل شده، نصرالله توجه دارد که به مردمی که از اقصی نقاط لبنان آمده‌اند، خوشامد گوید و مخاطبان دیگرش در لبنان، ایران، کشورهای عرب و سایر کشورها را که از پیروزی در جنگ جولای به وجد آمده‌اند، گرامی دارد. در پی این گرامی‌داشت، نصرالله بر مخاطبانش و رنج‌های آنها در طول جنگ درود می‌فرستد و یازده بار اصطلاح درود بر شما را تکرار می‌کند. نصرالله همچنین اصطلاح «مقاومت شما» را پنج بار در این سخنرانی تکرار می‌کند. چنین تکراری برای تأکید بر این مفهوم است که مخاطبان «جماعت مقاومت» هستند. کارکرد تکرارها در این سخنرانی به شکل قابل توجهی توده‌ها را اقناع می‌کند و احساسات آنها را به تسخیر در می‌آورد (لهلالی، ۲۰۱۲).

علاوه بر این، سخنرانی تحلیل شده‌ی دوم، به مناسبت خاکسپاری عماد مغنیه، شامل اصطلاح « شهید ما...» برای سه بار می‌باشد. این سخنرانی توجه بیشتری به مفهوم استدلال دارد، زیرا به نظر می‌رسد که نصرالله نمی‌خواهد احساسات زیادی را در بافتار جنگ روانی با اسرائیل به نمایش بگذارد. اما نصرالله در پایان سخنرانی‌اش به منظور دلگرم ساختن مخاطبان احساسات شدیدی را بروز می‌دهد، آنجا که می‌گوید: «اجازه دهید رهبری را بر شانه‌های خود بالا ببریم که به او افتخار می‌کنیم و شهیدی که شهادتش را صمیمانه گرامی می‌داریم. با وجود زمستان و سرما، اجازه دهید صدای ما به وسیله‌ی تمامی دشمنان و قاتلان شنیده شود. ما مقاومت خود را ادامه خواهیم داد تا به پیروزی کامل دست یابیم و اگر خدا بخواهد، شاید همه چیزمان را فدا کنیم.»

نصرالله احساسات توده‌ها را در نظر می‌گیرد. بنابراین، او به روزهای مذهبی و مصیبت‌ها توجه می‌نماید، به ویژه زمانی که سخنرانی او با یک مناسبت مرتبط همزمان باشد. در سومین سخنرانی تحلیل شده که همزمان با مناسبت‌های ملی و مذهبی مختلف بود، نصرالله پنج بار تسلیت گفت. او تسلیت خود را برای مفهوم اسلامی یادبود رحلت حضرت محمد (ص)، امام دوم شیعیان امام حسن بن علی (ع) و امام هشتم شیعیان علی بن موسی الرضا (ع) تقدیم کرد. علاوه بر این پیام تسلیت خود را به خانواده‌های قربانیان کشته شده در تصادم هوایی اتیوپی در بیروت اعلام نمود. و در نهایت با خانواده‌های نخست وزیر ترور شده‌ی لبنان، رفیق حریری، حزب و حامیان سیاسی‌اش، اظهار تاسف و همدردی کرد.

نصرالله در دو پیام تسلیت آخر همدردی و همدلی خود را با سایر لبنانی‌ها که پیروان او و شاید حامیان حزب او نبودند، ابراز نمود. این پیام‌های تسلیت نشان می‌دهد که هدف نصرالله بجز پیروانش، مورد خطاب دادن گروه‌های لبنانی است، تا توجه آنها را به دست آورد و آنها را جلب کند.

در همین راستا نصرالله آیه‌های قرآنی و متون اسلامی را در سخنرانی‌هایش نقل می‌کند. نصرالله در سخنرانی دومش آیه‌ی قرآنی می‌خواند تا نشان دهد که فرماندهی ترور شده‌ی «مقاومت اسلامی»، «امام مغنیه» یک مومن واقعی بود: «در میان مومنان مردانی وجود دارد که با خداوند پیمانی واقعی بسته‌اند. برخی از آنها به عهدشان جامه‌ی عمل پوشاندند و برخی در انتظار وفای به عهدند و در آن کوچکترین تغییری نداده‌اند» (۳۳:۲۳). به همین صورت، سومین سخنرانی تحلیل شده شامل یک آیه‌ی قرآنی است تا نشان دهد «شهدای» «مقاومت اسلامی» افراد با ایمانی هستند که در آخرت پاداش داده خواهند شد: «و آنانکه به خدا و پیامبرانش ایمان دارند - افرادی صادق هستند و نزد پروردگار می‌روند، آنها پاداش و انوار خود را دریافت خواهند نمود» (۵۷:۱۹).

نصرالله در سخنرانی اولش با مخاطب قرار دادن اسرائیل، عبارت های سومین امام شیعیان، حسین بن علی، تا خلیفه ی بنی امیه، یزید در پیکار کربلا را بکار برد، «ما پسران آن امام هستیم که می‌گویید: آیا شما مرا از مرگ می‌ترسانید؟ مرگ برای ما عادی است و شهادت مرتبه ای است که خداوند به ما ارزانی داشته است». اگرچه نصرالله به نام امامی که این عبارت را می‌گوید اشاره نکرد، فرهنگ پیروان خود را ارائه می‌نماید که با روایت عاشورا و دلالت های انقلابی آن تقویت شده است. جمله ی دوم این عبارت به طور قابل توجهی در بنر مکانی که نصرالله سخنرانی اش را برای گرامی داشت مغنیه ایراد کرد، نوشته شده بود.

با اشاره به «ما پسران همان امام هستیم»، نصرالله به هویت فرهنگی و مذهبی خود، پیروان و حتی حامیان امام حسین (ع) اشاره می‌نماید. اگرچه امام حسین (ع) یکی از اجداد اوست، نصرالله اظهار می‌دارد آن فرهنگ و باور مشترک در راستای خون برجسته می‌شود (زیتون ۲۰۰۷). از این بابت، استفاده از ضمائر در سخنرانی های نصرالله استراتژیک است. اکو (۱۹۸۴) در تحلیلش در رابطه ی بین سه عنصر در فرایند ارتباطی: فرستنده، پیام و مخاطب، به کاربرد ضمائر در پیام اشاره می‌کند، زیرا ضمائر موجب افزایش استراتژی متنی می‌شوند و شاید متضمن ارزش نشانه شناسی باشند.

نصرالله به‌عنوان یک سخنور یا فرستنده ی پیام نه تنها پیروان و حامیان بلکه همچنین اسرائیلی‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد. این ارتباط بین فردی استراتژی نصرالله را در قاب بندی و دوگانه‌سازی منعکس می‌نماید. بنابراین، نصرالله برای مخاطب قرار دادن پیروان و حامیان خود و تهدید اسرائیل از ضمائر مستقیم استفاده می‌کند. زمانی که او مخاطبانش را می‌خواند، همان‌طور که در اولین سخنرانی تحلیل شده نشان داده شد، برای نمونه در عبارت: «ما پسران همان امام هستیم»، یا «امروز شما یک پیام قدرتمند بی‌نهایت مهم و اخلاقی انتقادی- سیاسی به لبنانیان، اعراب و مردم کل دنیا ارائه دادید...»، نصرالله نشان می‌دهد که آنها را به‌عنوان بخشی از سازمان نظامی خود تلقی کرده که قصد بسیج کردن آنها را دارد. اما زمانی که نصرالله اسرائیل را تهدید می‌نماید، همان‌طور که در سومین سخنرانی تحلیل شده نشان داده شده، برای نمونه در عبارت: «اگر شما یک ساختمان را در دهیته بمباران کنید، ما ساختمان‌هایی را در تلاویو بمباران خواهیم کرد»، هدف او تضعیف روحیه ی آنهاست، زیرا آنها بیگانه و «دشمن» هستند. بنابراین، کاربرد ضمائر در شناسایی اهداف سخنرانی حائز اهمیت است.

خردمندی ارزش‌هایی را به مرجعیت‌مداری و شورمندی می‌افزاید. بنابراین، ارتباط بین سه عنصر در مثلث بلاغت سخنرانی‌های نصرالله به هم پیوسته‌اند، زیرا هر مفهوم، قدرت و انسجام دو مفهوم دیگر را فراهم می‌سازد. شکل ۱ همبستگی در سخنرانی‌های نصرالله را نشان می‌دهد.



شکل ۱. رابطه‌ی بین شورمندی، مرجعیت مداری و خردمندی در سخنرانی‌های نصرالله

در مشاهده‌ی سخنرانی‌های نصرالله، نشانه‌های دیداری دیده می‌شود. با ترسیم روی طبقه‌بندی نشانه‌های سه‌گانه‌ی پیرس (۱۹۷۴)، شمایی، نمایه‌ای و نمادین، نشانه‌های شمایی را می‌توان به‌واسطه‌ی متانت در ظاهر نصرالله مشاهده کرد. اما ظاهر نصرالله با پوشش عبا و عمامه‌ی مشکی نمایه‌ای است که دلالت صریح بر این دارد که نصرالله یک روحانی مسلمان شیعه است. از طرف دیگر، عمامه‌ی سیاه نمادین است، زیرا تنها روحانیان به‌ویژه روحانیون شیعه‌ای که نیاکان آنها به اهل بیت حضرت محمد (ص) باز می‌گردند، خود را با پوشیدن عمامه‌ی سیاه به جای عمامه‌ی سفید از سایرین متمایز می‌نمایند.

علاوه بر این، یک نشانه‌ی نمایه‌ای در ژست‌های نصرالله وجود دارد. او بازوی راست خود را بالا برده و همراه با بالا بردن تن صدایش در هنگام تهدید اسرائیل با انگشت اشاره‌اش اشاره می‌کند (نظیر تهدید به بمباران تل‌آویو در سومین سخنرانی تحلیل شده). این نشانه‌ی نمایه‌ای در تهدید اسرائیل به برند نصرالله تبدیل شده است. نصرالله در پاسخش به پرسشی از روزنامه‌ی لبنانی در مورد ژستش، آشکار می‌سازد که دستش را بی اختیار بالا می‌برد تا زمانی که متوجه شود که با ژست تهدید کننده‌ی او توده‌های مردم در حال واکنش و هل‌هل هستند، در نتیجه او زمان مناسب برای اشاره با انگشتش و بالا بردن تن صدایش را انتخاب می‌کند (الامین و همکاران، ۲۰۱۴).

نتیجه‌گیری

این مقاله می‌کوشد شکاف ادبیات موجود در فقدان توجه دقیق به مثلث بلاغت در سخنرانی‌های نصرالله را پر کند. برای شناسایی مثلث بلاغت اشاره شده و دلالت‌های آن، این مقاله با فراهم آوردن اطلاعات پس زمینه‌ای درباره‌ی نصرالله، چگونه و کجا یاد گرفت به ایراد سخنرانی بپردازد، بافتارسازی کرده است. بدین ترتیب، این مقاله بافتارهای سخنرانی‌های نصرالله را از یکدیگر متمایز می‌نماید و ساختار کلی آنها را نشان می‌دهد.

در حالی که به ساختارهای کلان سخنرانی‌های نصرالله اشاره شده است، این مقاله ساختارهای خرد سخنرانی‌های بایگانی شده‌ی منتخب برای تحلیل را جستجو کرد تا مثلث بلاغت- شورمندی، مرجعیت مداری و خردمندی- را شناسایی و دلالت‌های صریح برخی از نشانه‌های دیداری سه گانه‌ی معنادار در این سخنرانی‌ها را تفسیر نماید.

این تحقیق دریافت که مؤلفه‌های مثلث بلاغت با یکدیگر همبستگی دارند تا نصرالله و سازمانش به هدف نهایی فراخوانی مردم برای جنگ با اسرائیل دست یابند، زیرا سخنرانی‌ها حول محور اهمیت مقاومت برای مواجهه با ارتش اسرائیل و آزادسازی قلمروهای اشغال شده می‌چرخد. مطابق استراتژی بلاغت، نصرالله از کاریزما و قابلیت استدلالی اش برای بسیج کردن مردم لبنان و اعراب برای این نبرد و تضعیف روحیه‌ی اسرائیلی‌ها در بافتار جنگ روانی استفاده می‌کند. در این راستا، این مقاله ساختارهای قدرت در سخنرانی‌های نصرالله را در پیوند با قدرت ایمان و علم یافت که بیشتر بر دستیابی به پیروزی با به‌دست آوردن ظرفیت‌های نظامی جهت تسلیم کردن اسرائیل تمرکز دارد. بنابراین، این سخنرانی‌ها گفتمان مرکزی دانش و قدرت پیوندیافته‌ی حزب الله را بیان می‌کنند که این امر هم‌راستا با درک فرکلافی از گفتمان است.

پیوست‌ها

^۱ [معنای کلمات پاتوس، اتوس و لوگوس بصورت زیر است: پاتوس: شورمندی، اتوس: مرجعیت مداری و لوگوس: خردمندی. برگرفته از مقاله زیر: فتوحی، محمود (۱۳۸۹). از کلام متمکن تا کلام مغلوب (بازشناسی دو گونه نوشتار در نثر صوفیانه). فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی. سال سوم. شماره ۱۰. صص ۳۵-۶۲ (م).]

ⁱⁱ www.moqawama.org

منابع

- Alagha, J. E. (2006). *The Shifts in Hizbullah's Ideology: Religious Ideology, Political Ideology, and Political Program*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Al-Amin, I., Qanso, W., Ulaiq, H., Zaraqet, M. (2014, August 15). Like this I prepare my Speeches and I Decide when I have to Raise my Finger (in Arabic). *Al-Akhbar*. Issue 2369. Retrieved from <http://www.al-akhbar.com/node/213612>.
- Alroz, A. (2000, June 10). From 'Alnajah' School in Karantina to the Success in the School of Victory... Hassan Nasrullah: The Turban with all its History (in Arabic). *Alraialaam Newspaper*. Retrieved from: <http://moqawama.org/essaydetails.php?eid=4945&cid=130#.U9Cimo4zllJ>.
- Bazzi, S. (2009). *Arab News and Conflict: A Multidisciplinary Discourse Study*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Demirdöğen, Ü. D. (2010). The Roots of Research in (Political) Persuasion: Ethos, Pathos, Logos and the Yale Studies of Persuasive Communications. *International Journal of Social Inquiry*, 3(1), 189-201.
- Eco, U. (1984). *The role of the reader: Explorations in the semiotics of texts*. Bloomington, IN: Indiana University Press.
- El-daly, H. M. (2010). On the Philosophy of Language: Searching for Common Grounds for Pragmatics and Discourse Analysis. *International Journal of Academic Research*, 2(6), 244-262.
- El Zein, H. (2015). *The Military Media of 'The Islamic Resistance' - the Military Arm of Hezbollah: History, Messages, and Objectives*. PhD Thesis, Central Queensland University, Rockhampton, Australia.
- Fairclough, N. (1995). *Media Discourse*. London, UK: Edward Arnold.
- Gottweis, H. (2007). Rhetoric in Policy Making: Between Logos, Ethos, and Pathos. In F. Fischer, G. J. Miller, & M. S. Sidney (Eds.), *Handbook of Public Policy Analysis: Theory, Politics, and Methods* (pp. 237-250). Boca Raton, FL: CRC Press.
- Hall, S. (2013). Introduction. In S. Hall, J. Evans & S. Nixon (Eds.), *Representation: Cultural Representations and Signifying Practices*. (2nd ed. pp. xvii-xxvi). London, UK: Sage Publications Ltd.
- Harb, Z. (2011). *Channels of Resistance in Lebanon: Liberation Propaganda, Hezbollah and the Media*. London, UK: I.B.Tauris.

- Khaton, M. A. (2002). *The Emir of the Journey: The Biography of »The Islamic Resistance's» Master of Martyrs Sayyed Abbas Al-Mosawi (in Arabic)*. Beirut: Dar Alwala'.
- Khoury, L., & Da'na, S. (2009). Hezbollah's War of Position: The Arab-Islamic Revolutionary Praxis. *The Arab World Geographer*, 12(3-4), 136-149.
- Lahlali, E. M. (2012, Spring). Repetition and Ideology in Nasrallah's Political Speeches. *Arab Media and Society* (15), Retrieved from: http://www.arabmediasociety.com/articles/downloads/20120407185732_Lahlali_El_Mustapha.pdf.
- Majid, A. (2007). *Sayyed Hassan Nasrullah's Discourse (in Arabic)*. Beirut: The Sapiential Knowledge Institute for Religious and Philosophical Studies.
- Matar, D. (2010). Performance, Language and Power: Nasrallah's Rhetoric and Mediated Charisma in the Context of the 2006 July War. In R. Bassiouney (Ed.). *Arabic and the Media: Linguistic Analyses and Applications* (pp. 141-157). The Netherlands: Brill Academic Publishers.
- Matar, D. (2015). Hassan Nasrallah: The Cultivation of Image and Language in the Making of a Charismatic Leader. *Communication, Culture & Critique*, 8(3), 433-447.
- Peirce, C. S. (1974). *Collected Papers of Charles Sanders Peirce* (Vol. 1., C. Hartshorne & P. Weiss, Eds.). Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
- Şimon, S. (2015). An Overview of Speech Acts in English. *Scientific Bulletin of the Politehnica University of Timişoara: Transactions on Modern Languages*, 14(1), 5-12.
- Suleiman, Y. (2013). *Arabic in the Fray: Language Ideology and Cultural Politics*. Edinburgh, UK: Edinburgh University Press.
- Thiel, T. (2010). *Prophet of Revolution: The Construction of Hassan Nasrallah's Charismatic Authority*. Paper presented at 20th Annual ASEN Conference - Nation and Charisma, London, UK, April 13-15, 2010. Retrieved from: http://www.lse.ac.uk/researchAndExpertise/units/ASEN/Conference/PastConferences/2010/conferencepapers2010/Tobias_Tiel.pdf.
- Van Dijk, T. A. (1985). Introduction: Discourse Analysis as a New Cross-Discipline. In T. A. van Dijk (Ed.), *Handbook of Discourse Analysis* (Vol. 1, pp. 01-10). Orlando, FL: Academic Press.

Zaiton, A. M. (2007). *Ashura and the Discourse of »The Islamic Resistance«: A Case of Sayyed Hassan Nasrullah (in Arabic)*. Beirut: The Sapiential Knowledge Institute for Religious and Philosophical Studies.